

سوره‌ی حمد، تفسیر

آن

و ریزه‌کاری‌های آن

تهیه کننده: مصطفی محمد سواس

با مقدمه‌ی علی بن عبدالخالق القرنی

مترجم: پدram اندایش

سوره حمد، تفسیر آن...//1

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیم

شکر و ستایش برای الله
پروردگار جهانیان است و صلوات و
سلام بر آخرین پیامبر و بر آل و
اصحابش و تابعین، اما بعد:

* کتاب الله تعالی، به قوی ترین
شکل، دائماً هدایت کننده می باشد و
پند و شفایی از طرف آن، برای آنچه

2//سوره حمد، تفسیر آن...

در سینه‌ها است وجود دارد و همچنین هدایت و رحمتی برای مؤمنان است، عجایب آن فنا نمی‌شود و با زیاد نگریستن به آن، ارزش آن کم نمی‌شود، در لفظ و معنا و هدایتش معجزه وجود دارد. شدت موجهای اقیانوس به لفظهایش نمی‌رسد و آن همان سخن نرمی است که زندگی آخرت را رقم می‌زند - همان گونه که رافعی گفته است - وقتی الله تعالی در آن وعده می‌دهد، از روی شادی،

سوره حمد، تفسیر آن... 3//

چهره‌ها خندان می‌شود و وقتی وعید
به عذاب می‌دهد، زبان از شدت
گرمای قلب بی‌صدا می‌شود.

* از معجزات آن این است که با
حجم کم دارای معانی زیاد می‌باشد -
همان گونه که راغب گفته است - و
میوه‌های آن را چیزی نمی‌چینند، مگر
دستهای پاک شده و منفعتِ شفای آن
به کسی نمی‌رسد، مگر نفسهای پاک و
پرهیزگار شده.

* باشد که این جملات و این

4//سوره حمد، تفسیر آن...

ورقها دارای معنای بزرگ و ریزه -
کاریها و هدایتی از ام
الکتاب (سوره ی حمد) باشد و در آن
نقلی از امامان تفسیر و تألیفی از
مصطفی سواس می باشد و نگریستن به
آن و ایستادن در مقابل معنای آن،
شایسته می باشد. الله تعالی آن را قبول
فرماید و توسط آن در قلبها گشایش
ایجاد فرماید و او دانای عالم غیب
است.

نوشته شده توسط:

سوره حمد، تفسير آن...//5

على بن عبد الخالق القرنى.

1421 / 5 / 20 هـ

مقدمه

شکر و ستایش برای الله تعالی است، او را حمد گفته و از او کمک می‌طلبیم و از او طلب آمرزش می‌- نماییم و به سوی او توبه می‌کنیم. به الله تعالی پناه می‌بریم از شرّهای درونیمان و نتیجه‌ی بد اعمالمان. کسی را که الله تعالی هدایت نماید، گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد. گواهی

سوره حمد، تفسیر آن... 7//

می‌دهم که معبود و پرستش شونده‌ی
برحق‌ی جز الله وجود ندارد و محمد
بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد. ﴿يَا
أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ
وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل
عمران: 102] (ای کسانی که ایمان
آورده‌اید! از الله به اندازه‌ی حق
تقوایش، تقوا پیشه کنید و نمیرید، مگر
آن که مسلمان باشید)، ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ
اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ
وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا

رَجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي
تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿۱﴾ [النساء: 1] (ای مردم! از
پروردگارتان تقوا پیشه کنید، که شما
را از یک تن آفرید و از او همسرش
را آفرید و از آن دو، مردان و زنان
بسیاری را انتشار داد. و از الله تقوا
پیشه کنید که به نام او از یکدیگر
درخواست می‌کنید و [از گسسته
نمودن] صله‌ی ارحام [بترسید]، همانا
الله مراقب شما است)، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

سوره حمد، تفسیر آن... // 9

آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا *
يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا
عَظِيمًا ﴿النساء: 70، 71﴾ (ای کسانی

که ایمان آورده‌اید از الله بترسید و تقوا
پیشه کنید و سخنی درست بگویید! *
[در نتیجه‌ی آن] اعمال شما را اصلاح
می‌فرماید و گناهان شما را می‌آمرزد
و کسی که از الله و فرستاده‌اش
اطاعت کند، به کامیابی بزرگی،
کامیاب شده است).

اما بعد:

* الله تعالى درباره‌ی کتابش می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ﴾ [الإسراء: 9] (همانا این قرآن به استوارترین شکل هدایت می‌نماید). همچنین باخبر می‌فرماید که آن مجموعه‌ای کامل از پندها برای مردم می‌باشد و به طور خاص برای مؤمنان، دارای منفعت، هدایت، رحمت و شفایی در آنچه در سینه‌ها است می‌باشد. الله تعالى می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا

سوره حمد، تفسیر آن...//11

النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ
وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ
لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾ [یونس: 57] (ای مردم!

پندی از طرف پروردگارتان به شما
رسید و [همچنین] شفایی برای آنچه
در سینه‌ها است و هدایت و رحمتی
برای مؤمنان)، در نتیجه هر مؤمنی
باید در آیات آن تدبر نماید و کوشش
کند تا آنها را بفهمد و برای این کار
باید از هدایت قرآن کمک بگیرد.

* از آنجا که باید در نیکی و

12//سوره حمد، تفسیر آن...

تقوا به یکدیگر کمک کنیم و همچنین خواستم تا برای کتاب الله تعالی خیرخواهی کنم، این مطلب را نوشتم و آن را «سورة الفاتحة لطائف ومعان» نامیدم. دلیل آن که این سوره را انتخاب نمودم، آشکار بودن معانی بزرگ آن و بدیع بودن ریزه‌کاری‌های آن و شگفت بودن گنجهای آن است که علمای تفسیر آن را در این سوره بیان نموده‌اند. برای بیان این مطلب عالی، نه در توضیح دادن آن زیاده-

سوره حمد، تفسیر آن...//13

روی کرده‌ام تا خسته کننده شود و نه کوتاهی نموده‌ام تا مطلب کامل بیان نشود. فهم آن آسان است، زیبایی آن بدیع است و دارای نوری می‌باشد و این بر اساس امید من است. به الله تعالی امیدوارم که آن را پاک گرداند و از من قبول کند و توسط آن از من راضی شود.

اما مراجع این مطلب:

1- قرآن کریم.

2- تیسیر العلی القدیر لاختصار

14//سوره حمد، تفسير آن...

تفسير ابن كثير - محمد نسيب
الرفاعي.

3- أضواء البيان في إيضاح
القرآن بالقرآن - محمد الأمين الجكني
الشنقيطي.

4- في ظلال القرآن - سيد
قطب.

5- تيسير الكريم الرحمن في
تفسير كلام المنان - عبد الرحمن
السعدى.

6- مطلبى با عنوان: قراءة

سوره حمد، تفسیر آن...//15

خاشعۃ لأم القرآن - از دکتر بهاء
الدين عبد الرحمن.

7- الشرح الممتع على زاد

المستقنع «باب صفة الصلاة» - محمد
العثيمين.

8- مدارج السالكين بين منازل

إياك نعبد وإياك نستعين - ابن قيم.

م

ب

ط

16//سوره حمد، تفسیر آن...

ف

ی

م

ح

م

د

س

و

ا

س

آماده سازی

* شکر و ستایش برای الله

تعالی است، کسی که بر آخرین پیامبر

و رسول، کامل ترین کتاب را نازل

نموده است، تا توسط آن تاریکی های

جهل و سبب های عذاب را دفع نماید

و علمهای نفیس و ذخایر در پرده را

برای آنها آشکار نماید و از اسرار دین

و نیکی‌های آن پرده بر دارد و عبادت را برای الله بسیار باعزت بسیار بخشنده خالص گرداند و برای رسیدن به خوشبختی در دنیا و آخرت درب-ها را بگشاید و با تبعیت از آن و عمل به آن تمامی درب‌های شرّ بسته شود. این گونه است که قلبهای مرده را با باران خود زنده می‌کند، به شکلی عظیم‌تر از آن که باران ابر، زمین خشک را زنده می‌کند. با تدبیر قلبی در آیات آن، درست از نادرست

سوره حمد، تفسیر آن...//19

شناخته می شود و همچنین بی خردی از خردمندی ، ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [ص: 29] (کتابی است که نازل فرموده ایم که مبارک می باشد تا در آیات آن تدبر کنند و صاحبان خرد پند بگیرند)، صلوات و سلام بر رسول گرامی و بر آل، اهل و اصحابش، اما بعد:

* سوره ی فاتحه از سوره های

بزرگی است که الله تعالی آن را از بین

20//سوره حمد، تفسیر آن...

سوره‌های قرآن گرامی خاص نموده است و آن را سوره‌ای قرار داده است که خواندن آن در هر رکعت نماز واجب می‌باشد و در آن اسراری قرار داده است که با تکرار آن دوست داشتن آن زیاد می‌شود و با آن الفت صورت می‌گیرد، این از معجزات قرآن می‌باشد که فناپذیر است و کسی که آن را تکرار نماید از آن خسته نمی‌شود، [البته اگر با قلب آن را تکرار کند]. سوره‌ی فاتحه سوره‌ای است که

سوره حمد، تفسیر آن...//21

مسلمان آن را هفده بار در شبانه روز می‌خواند و گاهی بیشتر می‌شود و در نمازهای سنت نیز خوانده می‌شود. نماز درست نمی‌شود، مگر با خواندن این سوره. همان گونه که در صحیحین از عباده بن صامت رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لا صلاة لمن لم يقرأ بفاتحة الكتاب» (نمازی برای کسی که فاتحه کتاب را نخواند، وجود ندارد). آن سوره‌ای مکی است و از زمانی که نماز در مکه واجب

22/سوره حمد، تفسیر آن...

شد، آن خوانده می شود.

اسمهای سوره‌ی فاتحه

* این سوره فاتحه نامید شده است، چون آغازگر کتاب از روی صفحات و آغازگر قرائت در نمازها است. ترمذی از ابی بن کعب رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ما أنزل الله من التوراة ولا فی الإنجیل مثل أم القرآن وهی السبع المثانی» (الله [تعالی] در تورات و انجیل به مانند ام القرآن (مادر قرآن) را نازل نفرموده

24//سوره حمد، تفسیر آن...

است و آن هفت دوتایی است).
ترمذی گفته است: این حدیث حسن
صحیح می باشد. همچنین نزد ترمذی
از ابوهریره رضی الله عنه به ثبت رسیده است که
رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «الحمد لله أم
القرآن وأم الكتاب والسبع المثاني»
(الحمد لله، ام القرآن(مادر قرآن) و ام
الكتاب(مادر کتاب) و هفت دوتایی
است). این مجموعه ای از اسمها برای
سوره ی فاتحه می باشد و آنها ام
الكتاب و ام القرآن می باشند؛ زیرا

سوره حمد، تفسیر آن...//25

معناهای قرآن به آن باز می‌گردد و آن شامل تمامی معنای [قرآن] می‌باشد و همچنین به این علت است که آن در اول قرآن آمده است و بقیه‌ی قرآن بعد از آن می‌باشد. همچنین این سوره امام و متقدم بقیه‌ی سوره‌ها است. آن هفت دوتایی است، زیرا بدون هیچ اختلاف نظری، آن دارای هفت آیه می‌باشد و در هر نماز واجب و سنتی دوبار دوبار خوانده می‌شود.

* از اسمهای این سوره،

همچنین «الحمد» و «الصلاة» (نماز) نیز می‌باشد: آن از برای حدیثی است که مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «قال الله تعالی: قسمت الصلاة بینی و بین عبدی نصفین ولعبدی ما سأل، فإذا قال العبد ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾، قال الله تعالی: حمدنی عبدی، وإذا قال: ﴿الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ﴾، قال الله تعالی: أثنی علی عبدی، وإذا قال: ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾، قال مجدنی عبدی، وقال مرة:

سوره حمد، تفسیر آن... 27/1

فَوْضَ إِلَىٰ عَبْدِي، فَإِذَا قَالَ: ﴿إِيَّاكَ
نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ قال: هذا بيني
وبين عبدي ولعبدي ما سأل، فإذا قال:
﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ قال: هذا لعبدي
ولعبدي ما سأل» (الله تعالى می -
فرماید: نماز (سوره ی فاتحه) را بین
من و بین بنده ام، به دو نیمه تقسیم
نموده ام و برای بنده ام آن چیزی است
که درخواست نماید. وقتی بنده می -

گوید: (شکر و ستایش برای الله پروردگار جهانیان است)، الله تعالی می فرماید: «بندهی من مرا شکر نمود». وقتی می گوید: (بسیار رحمت کننده [و] دائماً رحمت کننده است).
الله تعالی می فرماید: «بنده من مرا ستایش نمود». وقتی می گوید: (مالک روز جزاست)، می فرماید: «بندهی من مرا گرامی داشت» و دفعه ای دیگر می گوید: «بندهی من، امر را به من سپرد». وقتی می گوید: (فقط تو را

سوره حمد، تفسیر آن...//29

می پرستیم و فقط از تو کمک می -
جوئیم) می فرماید: «این بین من و بین
بنده‌ی من می باشد و برای بنده‌ی من،
آن چیزی است که درخواست نماید».
وقتی می گوید: (ما را به راه مستقیم
هدایت فرما * راه کسانی که به آنها
نعمت دادی، غیر غضب شدگان و غیر
گمراهان) می فرماید: «این برای بنده‌ام
است و برای بنده‌ام آن چیزی است که
آن را درخواست نماید». در اول
حدیث فرموده است: نماز تقسیم شده

30//سوره حمد، تفسیر آن...

است، سپس بیان فرموده است که آن سوره‌ی فاتحه می‌باشد، به همین دلیل سوره‌ی فاتحه، صلاة (نماز) نیز نامیده شده است، زیرا آن شرط درست بودن نماز است.

* همچنین به آن گفته می‌شود:

«الشفاء» (درمان)؛ زیرا آنچنان که

دارمی از عبد الملک بن عمیر رضی الله عنه

روایت کرده است، رسول الله صلی الله علیه و آله

درباره‌ی سوره‌ی فاتحه فرمود: «شفاء»

من کل داء» (درمانی برای هر بیماری

سوره حمد، تفسیر آن...//31

می باشد).

* به آن «الرقیة» (دم کردن)

گفته می شود؛ زیرا در حدیثی که

ابوسعید رضی الله عنه آن را بیان داشته است،

آمده است: چند نفر از اصحاب

رسول الله صلی الله علیه و آله طی سفری، نزد طایفه ای

از طوایف عرب، توقف کردند و

درخواست پذیرایی، نمودند. اما آنان،

از پذیرایی آنها، سر باز زدند. از قضا،

عقربی، سردار طایفه ای آنها را نیش

زد. آنها برای مداوای او، سعی و

تلاش زیادی کردند، اما سودی
نداشت. بعضی گفتند: نزد این کاروان،
بروید. شاید در میان آنان، کسی باشد
که علاجی بداند. آنان، نزد قافله آمدند
و گفتند: ای کاروان! عقربی، سردار
طایفه ما را نیش زده است. و ما
هرچه سعی کرده‌ایم، سودی نداشته
است. آیا نزد شما راه علاجی وجود
دارد؟ یکی از آنان، گفت: بلی، بیه الله
قسم، من دم کردن را می‌دانم. ولی
چون از شما طلب پذیرایی نمودیم و

سوره حمد، تفسیر آن...//33

شما ما را پذیرایی نکردید، حاضر
نیستم بدون اجر، این کار را انجام
دهم. سرانجام، در مقابل پرداخت
تعدادی گوسفند، توافق کردند. آنگاه،
آن شخص، با آنان رفت و سوره
فاتحه را خواند و بر بیمار، نفث^۱ کرد.
و بیمار نیز مانند جانوری که از قید

¹ - نفث کردن، عملی بین فوت کردن و
تف کردن می‌باشد و برای آن معادل
فارسی وجود ندارد. (مترجم)

آزاد شده باشد، بهبود یافت و خوشحال و بدون کوچکترین ناراحتی، به راه افتاد. راوی می‌گوید: آنگاه، آنها گوسفندان مورد توافق را به صحابه رضوان الله علیهم، تقدیم نمودند. برخی از صحابه گفتند: آنها را میان خود، تقسیم کنیم. ولی شخصی که دم کرده بود، گفت: چنین نکنید تا نزد رسول الله ﷺ برویم و ایشان را در جریان، قرار دهیم و ببینیم که چه دستور می‌دهند. سپس، نزد رسول

سوره حمد، تفسیر آن...//35

الله ﷺ رفتند و ایشان را از ماجرا آگاه ساختند. او ﷺ فرمود: «وما یدریک أنها رقیة؟» (از کجا دانستی که آن «سوره فاتحه»، چنین تاثیری دارد؟) و افزود: «قد أصبتهم اقسما و اضربوا لی معکم سهماً» (کار درستی کرده‌اید. آنها را بین خود، تقسیم کنید و برای من نیز سهمی بگذارید).

بخاری (بخارایی) آن را روایت کرده است.

برای سوره‌ی فاتحه اسمهای

دیگری نیز وجود دارد و دلیل زیاد بودن اسمهای آن، بالا بودن منزلت آن است.

تفسیر پناه بردن به الله تعالی (اعوذ

بالله من الشیطان الرجیم، گفتن)

* الله تعالی می فرماید: ﴿فَإِذَا

قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ

الرَّجِيمِ﴾ [النحل: 98] (پس وقتی قرآن

خواندی به الله [تعالی] از شیطان رانده

شده، پناه ببر!) در این آیه دلیلی

وجود دارد که هنگام شروع قرائت

سوره حمد، تفسیر آن... 37//

قرآن باید [به الله تعالی] پناه برد.
معنای «الاستعاذه» (پناه بردن) همان
پناهنده شدن و طلب حمایت و حفظ
شدن می باشد، الله تعالی می فرماید:
﴿وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ
فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾
[الأعراف: 200] (و وقتی وسوسه ای
از شیطان به تو رسید، پس به الله پناه
بر! همانا او شنوای داناست).

* پناه بردن انواع گوناگونی

دارد و مشهورترین آنها: «أعوذ بالله

من الشیطان الرجیم» (به الله پناه می -
برم از شیطان رانده شده)، و کاملترین
آنها: «أعوذ بالله السميع العظیم من
الشیطان الرجیم من همزه و نفخه
ونفته» (به الله شنوای دانا از شیطان
رانده شده پناه می برم از وسوسه‌ی او
[که به بدن می رسد، مانند صرع و
خفگی] و وسوسه‌ی او [که همان
ایجاد غرور و تکبر است] و وسوسه‌ی
او [که به صورت تلقین احساس
است]. استعاذه (پناه بردن) با فعل

سوره حمد، تفسیر آن...//39

مضارع «أعوذ» آمده است که دلالت بر حال و آینده دارد؛ معنای او نزدیک به اسم فاعل «عائد» است به این معنا که «أنا عائد بالله الآن ومستقبلاً» (من پناه برنده به الله در حال و آینده می-باشم).

* «الشيطان» از ریشه‌ی «الشيط» به معنای شدت خشمگین شدن است، یا از ریشه‌ی «الشطن» به معنای دور است. «شطن» به معنای دور شدن است، زیرا او از هر خیری

و رحمت الله تعالى دور می شود.

* اما «الرجیم» به معنای رانده

شده و سنگسار شده می باشد. او کسی

است که به او اصابت می شود و از

چیزی دور داشته می شود و بد رای

ابلیس، لعنت الله تعالى قرار داده شده

است. صفت «رجیم» از بین دیگر

صفات شیطان انتخاب شده است؛ زیرا

در آن تمامی صفات او وجود دارد و

او مورد اصابت لعنت، تا روز قیامت

قرار گرفته است و آن نتیجه ی تکبر و

سوره حمد، تفسیر آن...//41

حسادت او، بوده است. رانده شده
همان موجود حقیر، ذلیل، دور شده و
کنار گذاشته می‌باشد. شیطان به مانند
خون در بدن، جریان دارد، ولی ما با
این وجود او را نمی‌بینیم و پناه بردن
از آن به الله تعالی، استعاذه است. الله
متعال شیطان را می‌بیند، ولی شیطان
او را نمی‌بیند.

تفسیر بسم الله

* ابوداود از ابن عباس رضی

الله عنهما روایت کرده است: پیامبر ﷺ

جداکننده‌ی بین سوره‌ها را نمی‌-

شناخت، تا آن که بر وی نازل شد:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾. در نتیجه

بسم الله همان فاصله‌ی بین سوره‌ها

است و آیه‌ای در هر سوره نمی‌باشد.

ولی قبل از سوره‌ی فاتحه سوره‌ی

دیگری وجود ندارد. پس آیا بسم الله

در اول آن آیه‌ای از آن می‌باشد،

یاخیر؟ در این مسأله اختلاف نظر

سوره حمد، تفسیر آن...//43

وجود دارد. کسانی که آن را آیه‌ای از سوره‌ی فاتحه می‌دانند، می‌گویند: تا سوره‌ی فاتحه هفت آیه داشته باشد. و کسانی که آن را آیه‌ی اول در سوره نمی‌دانند، آیه‌ی آخر را به دو قسمت تقسیم می‌کنند: ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ یک آیه و ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ آیه‌ی دیگر.

* کسانی که این قول را، قول ارجح (فتوایی که احتمال درست بودن آن بیشتر است) می‌دانند و بسم الله را

برای حدیثی که بیان شد، آیه‌ای جدا نمی‌دانند، دلیلشان این است که در حدیث آمده است: «قال الله تعالی: قسمت الصلاة بینی و بین عبدی نصفین» (الله تعالی می‌فرماید: صلاة (سوره‌ی فاتحه) را بین خودم و بین بنده‌ام به دو نیم نموده‌ام). در سه آیه‌ی اول شکر، ستایش و بزرگواری معرفی نمودن [الله تعالی]، آمده است و در آیه‌ی چهارم: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ آمده است که نصف‌کننده

سوره حمد، تفسیر آن...//45

می باشد و آن بین الله تعالی و بنده اش
است و آیات باقی مانده تعدادشان سه
تا است تا آن که سوره ی به طور کامل
به دو نیم تقسیم شود: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ
الْمُسْتَقِيمَ﴾ آیه ای است و ﴿صِرَاطَ
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ آیه ای دیگر و
﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾
آیه ی سوم. سه آیه در آخر سوره
برای بنده باقی می ماند و سه آیه ی
اول برای الله تعالی می باشد و حد
واصل بین آن دو گروه آیات: ﴿إِيَّاكَ

نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿۱﴾ است که امری
بین بنده و بین الله تعالی می باشد.

* حالا درباره‌ی بسم الله و

معناهای آن، تأمل می نماییم: ﴿بِسْمِ

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ حرف «باء» در

کلمه‌ی «بسم» هم می شود به این معنا

باشد که با نام الله تعالی شروع می کنیم

یا آن که معنای خبر دهد و هم به این

معنا می شود که به نام الله تعالی، قرائت

می کنیم. حرف «باء» در اینجا تبرک

جستن به نام الله تعالی است و برای

سوره حمد، تفسیر آن... 47//

پناه بردن نمی باشد؛ زیرا آن داخل اسم جلاله [که همان الله] است نمی شود. ولی حرف «باء» در استعاذه به لفظ جلاله ی «الله» داخل می شود: «أعوذ بالله» به این معنا است که در پناه الله قرار می گیرم و از او برای حمایت نمودن از خودم، کمک می طلبم.

* لفظ جلاله ی «الله» اسم علم

برای پروردگار سبحانه و تعالی می باشد و آن خاص ترین اسم وی است. امام ابوحنیفه رحمه الله آن را اسم اعظم

اسمهای الله تعالی بیان نموده است؛ زیرا غیر از او کسی با وی در آن شریک نمی شود. اما «الرحمن الرحیم» (آنها، دو صفت برای الله وَعَلَّكَ هستند که از ریشه‌ی «الرحمة» (رحمت) هستند و بر اساس مبالغه بیان شده‌اند. درباره‌ی آن دو ان شاء الله در بیان معنای سوره، حدیث آورده می شود.

* ای خواننده‌ی گرامی! کسی

که در شروع شدنِ با استعاذه و همراه کردن آن با بسم الله تأمل نماید، می -

سوره حمد، تفسیر آن...//49

یابد که انسان باید به سوی الله تعالی با پناه بردن از شیطان، خود را حفظ کند، زیرا او همان دلیل، خشم، لعنت، اصل هر شرّ و گناهی می باشد. باید به سوی الله تعالی با گفتنِ «الرحمن الرحیم» برای طلب خیر و نجات بشتابد. مسلمان در استعاذه و بسم الله گفتنِ خود، بین پناه گرفتن و درخواست نمودن واقع می شود. پناه بردن که همان فرار از شرّ است و درخواست نمودن که همان طلب خیر

است. شاعر درباره‌ی آن گفته است:

يا من ألوذ به ومن أعوذ به مما
لا يجبر الناس ولا يهيضون^(۱)

شروع کردن با بسم الله ادبی

ربّانی است:

(1) «هاض العظم» به معنای شکستن

استخوان بعد از جوش دادن آن

است یا بعد از آن که نزدیک است،

تا آن بهبود یابد. رجوع شود به

«لسان العرب» ماده‌ی «هیض».

سوره حمد، تفسیر آن...//51

* شروع نمودن هر امری از

امور شخص مسلمان و مخصوصاً

خواندن قرآن با «بسم الله» همان ادبی

است که الله تعالی در اولین وحی خود

از قرآن، آن را نازل فرموده است،

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ [العلق:

1] (بخوان به نام پروردگارت، کسی

که آفریده است) از اسمهای الله

سبحانه و تعالی «الأول» است، او

کسی است که با اسم او، هر چیزی و

هر حرکتی و هر رو نمودنی، شروع

52//سوره حمد، تفسیر آن...

می‌شود. الله تعالی کسی است که آفرینش این جهان را شروع نموده است و انسان را به وجود آورده است و او را به حال خود باقی نگذاشته است، بلکه دو راه [خیر و شر] را به او نشان داده است و رسولانی را به سوی وی ارسال کرده است و همراه آنان کتاب نازل فرموده است که آن آیاتی روشن است و مردم به اذن پروردگارشان، توسط آن، به راه الله بسیار باعزت بسیار ستوده، هدایت

سوره حمد، تفسیر آن...//53

می‌شوند. از بزرگ بودن نعمتها و حق بودن این کتاب هدایت کننده که به ما نعمت داده شده است، این می‌باشد که آیه‌ی اول آن با ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ شروع می‌شود، همان گونه مسلمان وقتی بیدار می‌شود، با گفتن این سخن، شروع می‌نماید: «الحمد لله الذی رد علی روحی وعافانی فی جسدی وأذن لی بذكره» (شکر و ستایش برای الله است، کسی که روح مرا به خودم بازگرداند و در بدن من

54//سوره حمد، تفسیر آن...

سالم بودن قرار داد و به من اجازه داد
که به یاد او بیافتم). درباره‌ی این امر،
حدیثی نبوی وجود دارد که متفق علیه
است.

تفسیر ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ﴾

* در این آیه ستایشی از الله وَعَلَيْكُمْ

وجود دارد و در آن به ما امر شده

است تا او را شکر نماییم و برای

سوره حمد، تفسیر آن...//55

صفاتش او را ستایش کنیم و چگونه می‌شود ستایش بشر از الله تعالی به ستایشی که خود او از خودش نموده است، برسد. معنای «الحمد لله» شکر^۱

¹ - در زبان عربی دو نوع شکر وجود دارد: یکی «شکر» و دیگری «حمد» است، حمد فقط با زبان و دل است و در شکر برای قدردانی عملی انجام داده می‌شود و فقط با زبان و قلب نمی‌باشد. (مترجم)

56//سوره حمد، تفسیر آن...

خالصانه از الله تعالی بدون آن که غیر از او چیزی پرستش و عبادت شود، می باشد. آن به دلیل نعمتهایی است که او برای مخلوقات خود آفریده است و آنان را نعمت قرار داده است و اگر آن نعمتها شمرده شوند، قابل شمارش نمی باشند و غیر از خود او وَعَلَيْكُمْ کسی به آنها احاطه ندارد. و هیچ کسی جز او استحقاق این تشکر و قدردانی را ندارد. تفکر صورت گیرد که این آیه با: «الحمد لله» شروع شده است و آن

سوره حمد، تفسیر آن... 57//

به صورت «الشکر لله» نیامده است، زیرا «الحمد» شکر و ستایش به دلیل زیبا بودن صفات و اعمال او می باشد، اما «الشکر» ستایشی است که بعد از نعمت دادن، صورت می گیرد. «الحمد» امری ثابت برای الله تعالی است، چه به مخلوقاتش نعمت بدهد و چه ندهد و شکر فقط بعد از نعمت است، در نتیجه هر شکری حمد است ولی هر حمدی شکر نمی باشد. به همین دلیل الله تعالی جایز نموده است که خود را

حمد گوید و جایز ندانسته است که از خود شکر نماید؛ زیرا او نعمتی به خود نمی‌دهد.

برای «الحمد لله» ظرف زمان آمده است و آن این سخن الله تعالی است که می‌فرماید: ﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ﴾ [القصص: 70] (و او الله است که هیچ پرستش شونده‌ی برحق‌ی جز او وجود ندارد و برای او در دنیا و آخرت شکر و ستایش می‌باشد). در نتیجه‌ی الله

سوره حمد، تفسیر آن...//59

تعالی کسی است که در این دو زمان،
مورد حمد واقع شده است. همچنین
برای «الحمد لله» ظرف مکان نیز آمده
است و آن این سخن الله تعالی است
که می فرماید: ﴿وَلَهُ الْحَمْدُ فِي
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [الروم: 18] (و
برای او در آسمانها و زمین، حمد
وجود دارد). در نتیجه، الله تعالی در
این دو مکان حمد شده می باشد:
آسمانها و زمین. اما در اینجا در
سوره ی فاتحه، الله تعالی برای حمد

خود، ظرف زمان و مکان نیاورده است، بلکه سخنش: «الحمد لله» جمله‌ی اسمیه‌ای است که الف و لام بر آن داخل شده است و در سخنش: «الحمد» ال از نوع جنس است و دارای استغراق است که شامل تمامی زمانها و مکانها می‌باشد.

* «الحمد» مبتدایی است که خبر آن محذوف است. تقدیر آن ثابت است، و معنای آیه این می‌باشد: حمد برای الله به صورت ثابت است و ازلی

سوره حمد، تفسیر آن...//61

و ابدی می باشد و مخصوص زمان و مکان خاصی نمی باشد. در سنن ابن ماجه از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما آمده است که رسول الله ﷺ به آنها فرمود: «أن عبداً من عباد الله قال: يا رب، لك الحمد كما ينبغي لجلال وجهك وعظيم سلطانك، فعضلت بالملكين فلم يدريا كيف يكتبانها، فصعدا إلى السماء وقالا: يا ربنا، إن عبدك قد قال مقالة لا ندري كيف نكتبها، قال الله عز وجل - وهو أعلم

بما قال عبده-: ماذا قال عبدی؟ قال:
یا رب، إنه قال: یا رب، لک الحمد
کما ینبغی لجلال وجهک وعظیم
سلطانک، فقال الله عز وجل لهما:
اکتباها کما قال عبدی حتی یلقانی
فأجزیه بها» (بنده‌ای از بندگان الله
[تعالی] گفت: ای پروردگار! برای تو
حمدی است همان گونه که شایسته‌ی
بزرگیِ صورتت و عظمت قدرتت
می‌باشد. دو فرشته وا ماندند و
ندانستند که چگونه آن را [در پرونده-

سوره حمد، تفسیر آن...//63

ی اعمال] بنویسند، از آسمان بالا رفتند و گفتند: ای پروردگار ما! بنده - ات چیزی را گفت، که ماندیم آن را چگونه بنویسیم، الله عَجَبٌ - در حالی که او به آنچه بنده اش گفته بود، عالمتر بود - فرمود: بنده ام چه گفت؟ گفتند: ای پروردگار! او گفت: ای پروردگار! برای تو حمدی است همان گونه که شایسته ی بزرگی صورتت و عظمت قدرتت می باشد. الله عَجَبٌ به آن دو فرمود: آن را همان گونه که بنده ام

گفته است، بنویسید تا وقتی که به دیدار من برسد و من خودم به او، برای آن، پاداش می‌دهم).

* اما سخنش: «رب العالمین»

برای «رَبِّ» چهار معنا بر اساس ریشه‌ی آن وجود دارد: «رب» به معنای مالک، همان گونه که گفته می‌شود: رب خانه به معنای مالک آن. «رب» به معنای سرور. زیرا سرور «رب» می‌شود، همان گونه که در این آیه آمده است: ﴿أَمَّا أَحَدُكُمْ فَيَسْتَقِي

سوره حمد، تفسیر آن...//65

رَبَّهُ خَمْرًا ﴿۴۱﴾ [یوسف: 41] (اما آن یکی از شما دوتا که «رب» (سرور) خود را شراب می‌نوشاند) که در اینجا رب به معنای سرور است. «رب» به معنای تدبیر کننده می‌باشد و در این آیه آمده است ﴿وَالرَّبَّانِيُونَ وَالْأَحْبَارُ﴾ [المائدة: 44] (افراد ربانی و بزرگان دینی)، ربانی‌ها علمائی بودند که به این نام نامیده شده‌اند، چون برای مردم با علمشان تدبیر می‌کردند. گفته می‌شود: «رَبُّهُ الْبَيْتُ» که به زن اطلاق می‌شود؛

زیرا او در خانه برای آن تدبر می‌کند. همچنین «رب» به معنای مربی است که مشتق از تربیت است و در این آیه آمده است: ﴿وَرَبَّائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ﴾ [النساء: 23] (و رب‌های شما که در خانه‌هایتان می‌باشند)، دختر همسر ربیبه نامیده شده است، زیرا شوهر او را تربیت می‌نماید. در «رب العالمین» رب به معنای مالک آنها و سرور آنها می‌باشد و این دو صفت ذات هستند و تدبیر کننده‌ی آنها

سوره حمد، تفسیر آن... 67//

و مربی آنها و این دو صفت فعلی می‌باشند و «رب» با الف و لام معرفه نمی‌آید، مگر برای الله تعالی و استفاده از آن برای غیر الله تعالی جایز نمی‌باشد، مگر آن که به صورت مضاف آمده باشد. به طور مثال گفته می‌شود: «رب الدار» و «رب السیف».

* اما «العالمین» آن جمع عالم و جهان است و آن تمامی چیزی است که الله تعالی آفریده است. کلمه‌ی «رب العلمین» دلیلی بر یکی بودن الله

تعالی در پادشاهی، سروری، آفرینش،
تدبیر و نعمت دادن است، همان طور
که او بی‌نیاز است و تمامی جهانیان به
این امر آگاه هستند.

* باید بدانیم که تربیت الله تعالی
بر آفریدگانش دو نوع هستند: به
صورت عام و به صورت خاص.
حالت عام: آفرینش مخلوقات توسط
وی و روزی دادن به آنها و هدایت
آنها در مصالح آنها که سبب بقای آنها
در دنیا می‌شود و فنا نمی‌شوند. اما

سوره حمد، تفسیر آن...//69

حالت خاص: آن تربیتی برای
دوستانش است و آنها را به ایمان
تربیت نموده و به آنها توفیق آن را
می دهد و پرده‌ی بین دنیا و آنها را
کنار می زند.

* در سخنش: «رب العالمین»

به انسان می فهماند که این جهان تنها
نمی باشد و عالمهای دیگری وجود
دارد که الله تعالی آنها را آفریده است
و عالم انسان فقط یکی از آنها است و
تمامی آنها تحت رب بودن [الله]

رحمن و رحیم می‌باشدند، در نتیجه مؤمن می‌فهمد که انس و الفت در بقیه‌ی عالمها نیز وجود دارد. کسی که الله تعالی را با صفت «رب العالمین» توصیف نماید، همان کسی است که به رب بودن الله سبحانه و تعالی اقرار نموده است. این قسمت اول از قسمت‌های توحید است.

تفسیر ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

سوره حمد، تفسیر آن...//71

«الرحمان الرحیم» این دو،
دوصفت و دو اسم از اسمهای الله
تعالی می باشند و از ریشه ی «الرحمة»
هستند و بر وجه مبالغه می باشند و
شدت مبالغه در «الرحمان» شدیدتر از
«الرحیم» است، الله تعالی برای تمامی
مخلوقات «رحمان» است، چه در دنیا
و چه در آخرت؛ ولی «الرحیم»
مخصوص مؤمنان در روز قیامت می -
باشد؛ زیرا الله تعالی می فرماید:
﴿وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾ [الأحزاب:

[43] (و به مؤمنان رحیم است)، این بر خلاف «الرحمان» است که الله تعالی رحمت خود را حتی برای پرندگان نیز قرار می دهد و می فرماید: ﴿أُولَٰئِكَ يَرْوَأُ إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَاقَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ﴾ [الملک: 19]

(آیا به پرندگانی که گاهی بال می - گشایند و گاهی آن را جمع می کنند، نمی نگرند، کسی آنها را نگه نمی دارد، مگر [الله] رحمان). اسم رحیم برای بعضی [از اشخاص نیز] استفاده می -

سوره حمد، تفسیر آن...//73

شود، ولی رحمان فقط مخصوص الله تعالی است [و فقط باید برای او مورد استفاده قرار گیرد]. وقتی مسیلمه‌ی کذاب خود را رحمان یمامه نامید، الله تعالی لباس دروغگویی بر او پوشاند و درباره‌ی او چیزی گفته نمی‌شود، مگر با نام مسیلمه‌ی کذاب (بسیار دروغگو) و ضرب المثلی درست شده است که می‌گویند: «فلانی از مسیلمه دروغگوتر است». پس پاک و منزّه است الله الرحمن الرحیم.

* اولین چیزی که با اقرار به این که الله تعالی، همان الرحمن الرحیم است، ایجاد می‌شود، اثبات توحید اسمها و صفات برای الله تعالی است و این قسمت دوم از انواع توحید است. کسی که در این دو آیه‌ی اول سوره‌ی فاتحه تفکر نماید، می‌فهمد که آن شامل بیان داشتن سه اسم برای معبود تبارک و تعالی می‌باشد و آنها مرجع اسمهای نیک و صفات والا هستند و آن اسمها: الله، رب و رحمان هستند.



تفسیر ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾

* در قرائت‌های هفتگانه به ثبت

رسیده است: «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ».

معنای آن این است که الله تعالی مالک

روز پاداش و مجازات و حساب و

کتاب است، الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَوْمَ

لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ

يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ﴾ [الانفطار: 19] (روزی که

شخصی مالک شخص دیگری نیست

و امر در آن روز برای الله است)، الله تعالی خود را به طور خاص، پادشاه روز جزا معرفی فرموده است؛ زیرا در آن روز پادشاه دیگری وجود ندارد و او بزرگتر از پادشاهان دنیا خواهد بود که دارای زیرداستانی هستند. علماء گفته‌اند: الله عَزَّ وَجَلَّ خواسته است که بعضی از بندگانش را بر بعضی قسمت‌هایی در دنیا مالک گرداند، وقتی روز جزا می‌رسد، تمامی پادشاهی به سوی الله تعالی باز می‌گردند، در

روزی که کسی مالک چیزی نیست،
حتی سخن گفتن خود، مگر آن که الله
تعالی اجازه دهد، ﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ
وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ
لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾ [النبا: 38]
(روزی که جبرئیل و ملائک صف
کشیده می ایستند. سخن نمی گویند،
مگر کسی که [الله] رحمن به او اجازه
دهد و او نیک می گوید). وقتی الله
تعالی مالک یکتای روز جزاست، امر
نیز به تنهایی در دست اوست؛ زیرا

مالک، پادشاهی است که امر و نهی از او می‌باشد و همچنین پاداش و مجازات و همچنین تصرف در آنچه می‌خواهد. این امر با وجود درست بودنش در دنیا برای بسیاری از مردم، آشکار نمی‌باشد؛ ولی در روز قیامت، الله پادشاه، با تمام وضوح، آشکار می‌گردد، بدین صورت که پادشاهی مخلوقات قطع می‌گردد و پادشاهان و زیردستان یکسان می‌شوند و همچنین بردگان و اشخاص آزاد نیز به یک

سوره حمد، تفسیر آن...//79

شکل مورد حساب قرار می‌گیرند، تمامی مردم سرسپرده به قدرت و عظمت او و فروتن در برابر عزت وی می‌شوند، منتظر حساب و کتاب وی و امید به ثواب وی و ترسان از مجازات او خواهند بود. به همین دلیل خود را مالک آن روز به صورت خاص بیان فرموده است، و اگر نه او مالک روز جزا و دیگر روزها می‌باشد.

* از ریزه‌کاری‌های آن این

است که وقتی می‌فرماید: «رب

العالمین» منظور پادشاهی دنیا است و بعد از آن می‌فرماید: «مالک یوم الدین» که منظور پادشاهی در آخرت است و برای خود پادشاهی دنیا و آخرت را یکجا جمع نموده است.

* منظور از «الدین» در این آیه پاداش و مجازات برای اعمال به صورت عادلانه می‌باشد و از آن این سخن الله تعالی است که می‌فرماید: ﴿يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ﴾ [النور: 25]
(الله پاداش و جزای آنها را به طور

سوره حمد، تفسیر آن...//81

کامل و از روی حق به آنها خواهد داد) به این معنا که پاداش و عقاب اعمال آنها از روی عدالت [به آنها داده خواهد شد]. کسی که با این آیه، الله تعالی را ستایش می‌نماید، به آخرت و به آنچه از پاداش و مجازات از روی عدالت در آن وجود دارد اعتراف می‌نماید و همچنین ایمان خود به روزی را اعلان می‌دارد که الله تعالی در توصیف آن می‌فرماید:

﴿يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَأَ عِوَجَ لَهُ﴾

وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ
إِلَّا هَمْسًا * يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا
مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا *
يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا
يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا * وَعَنَتِ الْوُجُوهُ
لِلْحَىِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا
* وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ
مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿طه﴾:

108 – 112] (در آن روز از دعوت

کننده تبعیت می‌کنند و کثری در آن راه

ندارد و صداها برای [الله] بسیار

سوره حمد، تفسیر آن...//83

رحمت کننده فروکش می کند و جز
صدای آهسته [چیزی] نمی شنوی *
در آن روز شفاعت کسی سودی
نمی رساند، مگر کسی که [الله] بسیار
رحمت کننده به او اجازه دهد و از
سخن او راضی باشد * قبل و بعد آنها
را می داند و [لی انسانها] از او آگاهی
ندارند * و چهره ها در برابر [الله] زنده
و پابرجا فروتن می شوند و کسی که
دارای بار ستم باشد، بدبخت و نا امید
می گردد * و کسی که عمل صالح

انجام دهد و او مؤمن باشد، نه از
ظلمی می ترسد و نه از کاستی [حق،
می هراسد].

ایمان به آیهی «مالک یوم
الدین» باعث می شود تا مؤمن از
روزی بترسد که مستقیم مورد حساب
و کتاب الله تعالی قرار می گیرد. آیهی
قبل آن «الرحمن الرحیم» در درون
مؤمن، امید به الله تعالی را ایجاد می -
کند و امید به رحمت باعث نمی شود
تا او در انجام فرضها و واجبات

کوتاهی کند. بعد از آن، ترس از حساب و کتاب می آید و این ترس، باعث می شود تا او در عبادت خود کوتاهی ننماید. همچنین باید توجه داشت که ترس از عذاب باعث نمی - شود تا شخص در حالی که در تباه کردنِ زندگی قرار دارد، دارای امید و طمع به آخرت باشد.

تفسیر ﴿إِيَّايَ نَعْبُدُ وَإِيَّايَ

نَسْتَعِينُ

* علماء نکتہ‌ی لطیف و عجیبی
را در این سخن ذکر کرده‌اند، و سخن
در آن از صیغہ‌ی غایب به صیغہ‌ی
مخاطب بر می‌گردد و آن با حرف
«کاف» در «ایاک» است و این امری
مناسب در این مقام است؛ زیرا وقتی
بنده، الله تعالی را حمد گفته و او را
ستایش می‌فرماید و او را بزرگواری
می‌داند و به پروردگاری او برای
جهانیان اعتراف می‌کند و آخرت را

سوره حمد، تفسیر آن... 87//

تصدیق می نماید و امید خود را به رحمت الله تعالی در خلال «الرحمن الرحیم» اعلان می کند و ترس خود از مجازات الله تعالی را در خلال «مالک یوم الدین» بیان می دارد، از اهل گروهی قرار می گیرد که می - خواهد خود را به الله وَعَلَيْكُمْ نزدیک نمایند و خود را در پیشگاه او حاضر می بیند و در اینجا است که مناسب می باشد که او را با «کاف» مورد خطاب قرار دهد: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ

نَسْتَعِينُ ﴿۱﴾ .

* به طور صحیح در صحیح

بخاری (بخارایی) از انس بن مالک رضی الله عنه

آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنْ

أَحَدُكُمْ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ فَإِنَّهُ يَنَاجِي

رَبَّهُ...» (وقتی یکی از شما برای نماز

می ایستد، با پروردگارش مناجات

می کند...). در آن می آموزد که وقتی

در پیشگاه الله عز وجل می ایستیم و او را

مورد خطاب قرار می دهیم و به طور

مستقیم از او دعا می کنیم و او را حمد

گفته، ستایش می‌کنیم و تمجید می‌-
نمایم و مقدس بیان می‌داریم و به
پروردگار بودن او اقرار می‌کنیم و
پاداش و عذاب او را در آخرت
تصدیق می‌کنیم، در این هنگام است
که در ما احساس ضعف و ناتوانی
ایجاد می‌شود و این در حالی است که
تمامی امر به دست الله سبحانه و تعالی
است. او را به طور مستقیم مورد
خطاب قرار می‌دهیم و در پیشگاه او
به [یکی بودن وی] در عبودیت او و

طلب کمک کردن از وی در تمامی
امور اعتراف صورت می‌دهیم.

* «العبادة»(عبادت): در لغت،

اصل آن به معنای خواری است، گفته
می‌شود: راه معبد به معنای راهی است
که ذلیل می‌باشد و در دین به این
معناست که اسمی جامع برای آنچه
است که الله تعالی دوست دارد و از آن
راضی می‌شود و شامل سخنان و
اعمال ظاهری و باطنی می‌باشد و
عبادت در کل، کمالِ محبت، فروتنی و

سوره حمد، تفسیر آن...//91

ترس از الله تعالی را در بر می گیرد.

* از نکات قابل توجه این آیه

این است که با این لفظ نیامده است:

«عبدک یا رب ونستعینک» (ای

پروردگار تو را عبادت می کنیم و از

تو کمک می طلبیم)؛ زیرا اگر به این

شکل می آمد، انحصار کردن را در بر

نداشت [و معنای آن این نمی شد که

فقط تو را می پرستیم و فقط از او

کمک می جوییم] و به این معنا می شد

که تو را عبادت می کنیم و غیر تو را

نیز عبادت می‌کنیم و از تو کمک می‌-
جوئیم و از غیر تو نیز کمک می‌-
جوئیم. ولی آیه با لفظ: «إياک نعبد»
آمده است و معمول پیش انداخته شده
است و در نتیجه‌ی آن افاده‌ی حصر
می‌کند و در آن عبادت و کمک گرفتن
از هر چیزی غیر الله تعالی را نفی
می‌کند و آن را به صورت یکتا برای
الله تعالی به ثبت می‌رساند و معنای:
«إياک نعبد» این است که غیر از تو
را عبادت نمی‌کنیم و فقط تو را

سوره حمد، تفسیر آن...//93

عبادت می‌کنیم، و معنای «وایاک
نستعین» این است که از غیر تو کمک
نمی‌جوییم و فقط از تو کمک می-
جوییم. در ترکیب جمله این گونه
می‌باشد که نفی می‌آید یعنی عبادت
نمی‌کنیم و سپس اثبات می‌آید که تو
را عبادت می‌کنیم و آن همان عبارت
توحید یعنی «لا إله إلا الله» است [و
معنای آن نفی کردن معبودی غیر از
الله تعالی و اثبات آن برای الله تعالی
است و فقط به این معنا نمی‌باشد که

پرستش شونده‌ی برحق‌ی جز الله وجود ندارد، بلکه این را بیان می‌دارد که الله نیز پرستش شونده‌ی برحق‌ی است و در عین پرستش نکردن غیر الله تعالی، او پرستش می‌شود و بنده برای اثبات آن در کنار نپرستیدن غیر الله تعالی باید او را نیز مورد پرستش قرار دهد].

* «اله» در لغت به معنای معبود

و پرستش شونده‌ی برحق می‌باشد و

معنای «لا إله إلا الله» در لغت به

سوره حمد، تفسیر آن...//95

معنای این است که معبود و پرستش شوندگی برحقى جز الله وجود ندارد و نزدیکترین عبارت به آن، این سخن الله تعالى است: «إياک نعبد» به این معنا که کسی را عبادت نمی‌کنیم، مگر تو. معنای موجود در این سخن الله تعالى: «إياک نعبد» همان راز سوره‌ی فاتحه و همان راز قرآن است، همان گونه که بعضی از پیشینیان گفته‌اند. بلکه معنای آن همان روح رسالت‌های آسمانی می‌باشد. الله تعالى می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ
أَعْبُدُوا اللَّهَ وَأَجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾

[النحل: 36] (و همانا در هر امتی

فرستاده‌ای مبعوث نمودیم که الله را

پرستش کنید و از طاغوت دوری

کنید!). همچنین می‌فرماید: ﴿وَمَا

أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي

إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾

[الأنبياء: 25] (و رسولی قبل از تو را

نفرستادیم، مگر آن که به وی وحی

نموده‌ایم که هیچ پرستش شونده‌ی

سوره حمد، تفسیر آن... 97//

برحقی جز من وجود ندارد، پس مرا عبادت کنید). در اینجا مسائلی بیان می‌شود که در این آیه دلالت بر عبادت دارد:

1- در آن اثبات توحید عبادت

آمده است. در دو آیه‌ی اول اثبات توحید ربوبیت¹ و توحید اسماء و

¹ - توحید ربوبیت یعنی یکتا بودن

پروردگاری و پرورگاری به معنای: خلق

صفات آمده است و این سوره‌ی
شامل تمامی انواع توحیدها می‌باشد.

2- الله تعالی استعانت را بعد از

عبادت قرار داده است، زیرا استعانت

یکی از حالت‌های عبادت می‌باشد، که

جز برای الله تعالی درست نمی‌باشد،

مانند، توکل، ذبح نمودن و نذر و دیگر

=

کننده، تدبیر کننده و پادشاه می‌-

باشد.(مترجم)

سوره حمد، تفسیر آن...//99

مسائل و همچنین به این معناست که راهی برای عبادت الله متعال وجود ندارد، مگر با کمک گرفتن از وی. کسی که الله تعالی به او کمک نکند، خواست انجام او امر الله تعالی و خودداری از چیزهایی که نهی نموده است، برای وی حاصل نمی‌شود.

3- کلمه‌های «نعبد» و

«نستعین» به صورت جمع آمده است

تا بیانی باشد برای وحدت مسلمانان

و الفت گرفتن آنها به یکدیگر و یکی

100//سوره حمد، تفسیر آن...

بودن آنها و همچنین آنها در یک صف قرار می‌گیرند. همچنین اشاره دارد که نماز در اصل به صورت جماعت باید باشد و اگر مسلمان به تنهایی نماز بخواند برای خودش و برای تمامی برادران مسلمانش دعا می‌کند، برادرانی که همراه او اقرار به ربوبیت **الله عَزَّوَجَلَّ** و یکی بودن او در الوهیت^۱

¹ - توحید الوهیت به معنای یکتا بودن

در معبود بودن و پرستش شونده‌ی برحق

سوره حمد، تفسیر آن...//101

می‌کنند و وعده‌ها و وعیدهای او
تصدیق می‌نمایند.

4- این آیه دلیلی بر این است

که به کسی نباید توکل نمود، مگر
کسی که شایسته‌ی عبادت است و آن
به دلیل آمدن کمک طلبیدن (استعانه)
بعد از عبادت می‌باشد. به این مسأله
آیاتی اشاره می‌نمایند، از آنها:

=

بودن می‌باشد. (مترجم)

﴿فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ﴾ [هود: 123]

(پس او را عبادت کن! و بر او توکل

نما!)، همچنین می فرماید: ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا

فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ

تَوَكَّلْتُ﴾ [التوبه: 129] (و اگر روی

برگردانند، بگو: الله برای من کافی

است و هیچ پرستش شونده‌ی بر حقّی

جز او وجود ندارد و فقط^۱ بر او توکل

¹ - چون جار و مجرور که همان «علیه»

می باشد بر خلاف عرف مقدم شده است،

سوره حمد، تفسیر آن...//103

می‌نمایم). همچنین می‌فرماید: ﴿رَبُّ
الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ
وَكَيْلًا﴾ [المزمل: 9] (پروردگار مشرق
و مغرب، هیچ پرستش شونده‌ی بر
حقی جز او وجود ندارد، پس او را
[برای خودت] نگهبان بگیر!)، همچنین
می‌فرماید و قوله: ﴿قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا
بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا﴾ [الملک: 29] (بگو:

=

معنای تخصیص می‌دهد. (مترجم)

او رحمان است، به وی ایمان آوردیم
و فقط بر او توکل می‌نماییم).

5- آوردن عبادت الله تعالی قبل
از دعا باعث استجابت دعا می‌شود،
همان گونه که آوردن شکر و ستایش
برای الله قبل از دعا باعث اجابت دعا
می‌شود.

[6- امام ابن کثیر در تفسیر این
آیه و امام ابن قیم در کتاب «طب
القلوب» آورده‌اند که «ایاک نستعین»
نتیجه‌ی «لا حول ولا قوه الا بالله»

سوره حمد، تفسیر آن...//105

(هیچ تغییر و قدرتی وجود ندارد، مگر از جانب الله) می باشد، زیرا وقتی همه کاره‌ی هستی الله تعالی می باشد و برگ‌ی از روی میلیاردها برگ روی درختان بر زمین نمی افتد، مگر به اجازه و اراده‌ی وی، سنگی سقوط نمی کند و قطره‌ی آبی بخار نمی شود و به آسمان نمی رود و قطره‌ی بارانی از ابرها نازل نمی شود، مگر به اجازه و اراده‌ی الله عَزَّوَجَلَّ، در نتیجه باید دعای ما از خود او باشد و اگر کسی را شفاعت

کننده قرار می‌دهیم، نباید او را کارهای
بدانیم، زیرا این الله تعالی است که
هرکاری را انجام می‌دهد و شفاعت
کننده حتی اگر زنده باشد، کارهای
نیست و فقط وسیله می‌باشد. این
چنین است، توکل، ترس، امید، نذر
نمودن، زیرا انجام دهنده‌ی هر اتفاقی
فقط الله تعالی می‌باشد و این امور فقط
باید از او صورت گیرد، این تا به آنجا
بود که پیامبر ﷺ در بیعت گرفتن از
صحابه ﷺ این امر را برای بعضی قرار

سوره حمد، تفسیر آن...//107

داده بود که از هیچ کس کمک نگیرند.
یکی از آنها ثوبان رضی الله عنه بود که می گفتند:
وقتی بر روی شتر نشسته بود و
شلاقش می افتاد به کسی نمی گفت، که
آن را به وی بدهد، بلکه شتر را نگه
داشته و او را می نشاند و پیاده می شد
و دوباره سوار شتر می شد و شتر را
بلند می نمود و به راه می افتاد[^۱].

¹ - این بند توسط مترجم اضافه شده
است.

تفسیر ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ *
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ
الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾

* علماء نکتہ ی جالبی در

تفسیر این آیات بیان داشته اند و آن

جایز بودن توسل مشروع می باشد، تا

انجا که در این آیات به این عمل

تشویق صورت گرفته است و این

کاملاً آشکار است، وقتی این دعا

انجام می پذیرد: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ

الْمُسْتَقِيمَ﴾، برای دعا نمودن از وی،

سوره حمد، تفسیر آن...//109

توسل به ستایش او می شود و این
توسل بر صفات والا و اسمهای نیک
او می باشد، بعد از آن توسل با انجام
اعمال صالح از انواع مختلف عبادت -
ها صورت می گیرد. الله تعالی می -
فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ
بِهَا﴾ [الأعراف: 180] (و برای الله
اسمهای نیک وجود دارد، پس توسط
آنها از وی دعا نما!).

* آنچه در تمامی آیاتی که در

قرآن، در آنها دعا صورت گرفته

110//سوره حمد، تفسیر آن...

است، آمده است، در تمامی آنها توسل
برای دعا از الله تعالی وجود دارد،
گاهی توسل به ذات الله تعالی و گاهی
به اسمهای وی و گاهی به صفات
والای او، گاهی نیز با انجام اعمال
صالحی که باعث تقرب به الله تعالی
می شوند یا آن که توسل به دعای
برادران مؤمن شخص یا دعای وی
برای آنها صورت می گیرد. الله تعالی
از زبان ذی النون علیه السلام می فرماید: ﴿لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

سوره حمد، تفسیر آن...//111

الظَّالِمِينَ ﴿۸۷﴾ [الأنبياء: 87] (هیچ

پرستش شونده و معبود برحقى وجود ندارد، مگر تو، پاک و منزه هستی و من از ظالمان بودم) وقتی ماهی او را بلعید، راهی برای توسل نمودن به سوی الله تعالى نزدیک تر از این پیدا نکرد که یکی بودن الله تعالى و پاک و منزه بودن او را بیان دارد، سپس به گناهی که بعد از آن پشیمانی ایجاد شده است اقرار نمود و آن به مانند توبه می باشد و بدون شک آن از

مرجع ترین اعمال صالح می باشد. این چنین بود، اعتراف پدر و مادر تمامی انسانها: ﴿قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: 23] (آن دو گفتند: پروردگار ما! به خودمان ستم نمودیم و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نمایی از زیانکاران خواهیم بود). این سخنانی بود که آدم عليه السلام توسط آنها به سوی پروردگارش توسل جست و بعد از آن توبه نمود.

سوره حمد، تفسیر آن...//113

این چنین است این سخن الله تعالی:

﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ
أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾ [آل عمران:

193] (پروردگار ما! ما ندای ندا

دهنده‌ی به سوی ایمان را شنیدیم که

[ندا می‌داد: «به پروردگارتان ایمان

بیاورید»، پس ایمان آوردیم). شکی

وجود ندارد که ایمان به الله تعالی و

فرستاده‌اش در رأس اعمال صالح

هستند. بعد از آن که با این عمل

صالح خود را در پیشگاه الله تعالی

دیدند، شروع به بیان نیازشان کردند:

﴿رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا

سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ﴾ [آل عمران:

193] (پروردگار ما! پس گناهان ما

را برای ما بیامرز و بدی‌های ما را

بپوشان و ما را همراه نیکان بمیران) و

این آموزشی از طرف الله تعالی است

که به سوی او چگونه توسل پیدا کنیم.

* هدایت دو نوع است: اول:

بیان و راهنمایی، دوم: توفیق دادن و

الهام کردن. اگر بیان حق و راهنمایی

سوره حمد، تفسیر آن...//115

حاصل شود، به دنبال آن هدایت و توفیق یافتن به وجود می‌آید. هدایت بیان شده در سوره‌ی فاتحه شامل بیان چیزهایی از حق است که ما نمی‌دانیم و به صورت شرح داده شده و اجمالی بیان شده‌اند و الهامی برای تبعیت از حق در ظاهر و باطن می‌باشد، سپس ادامه دادن به آن و ثابت قدم ماندن بر آن باید تا زمان مرگ همراه انسان باشد. چه چیزی بیشتر از این مطلب به سوی هدایت دعوت می‌دهد و چه

چیزی بیشتر از این برای ما ضروری است.

* اگر سوال کننده ای سوال

نماید: چگونه هدایت را طلب نماییم،

در حالی که ما هدایت یافته هستیم؟

جواب داده می شود: آنچه از حق برای

ما پوشیده است، بسیار بیشتر از آن

حقی است که ما می دانیم و آنچه از

اعمال صالح از روی سستی و تنبلی

ترک می کنیم، بیشتر از آن چیزی است

که انجام می دهیم، بلکه توانایی انجام

سوره حمد، تفسیر آن...//117

صالح بیشتر را نداریم، همچنین ما به کامل شدن هدایت نیاز داریم. بعد از آن برای کسی که این امر حاصل شود، نیاز به ثابت قدم ماندن در آن به وجود می‌آید و آن باقی ماندن هدایتی است که احتیاج ما از آن قطع نمی‌شود، مگر با رسیدن به بهشت در روز قیامت و درست قدم گذاشتن بر روی پل صراط. آیا با این وجود کسی از نیاز داشتن به هدایت، سوالی می‌کند؟ شایسته است که در اینجا دقت کنیم

که جمله به صورت ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ﴾
آمده است و به صورت «اهدنا إلی
الصراط» نیامده است. معنای آن این
است که دعا کننده‌ای که این دعا را
می‌نماید، خارج از این راه نمی‌باشد،
تا به آن داخل گردد. بلکه او بر راه
قرار دارد و فقط می‌خواهد که الله
تعالی او را حفظ نماید و او را منحرف
نگرداند و ثابت قدم بدارد.

* «الصراط المستقیم» (راه

مستقیم) همان دین الله تعالی است و

سوره حمد، تفسیر آن...//119

آن راهی است که گشایش یافته می-
باشد و تخلفاتی که صورت می‌گیرد،
از طرف قدم گذارانگان به آن می-
باشد. بعضی آنها بر روی شکمشان بر
آن عبور می‌کنند و بعضی از آنها را،
هوای نفس از آن منحرف می‌گرداند و
بعضی بر روی آن با کوشش و نشاط
به سرعت قدم می‌گذارند و بر حسب
قدم گذاشتن بر راه دین در دنیا، از
روی آن از داخل جهنم عبور می‌کنند،
﴿هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾

[النمل: 90] (آیا پاداش و عذابی به شما می‌رسد، مگر بر اساس آنچه [در دنیا] انجام می‌دادید). درخواست نمودن هدایت شامل رسیدن به تمامی خیرها و سالم ماندن از تمامی شرّها است. در مفرد آمدن کلمه‌ی صراط(راه) دلیلی وجود دارد که راه حق یکی است، ﴿فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ﴾ [یونس: 32] (پس از حق جز گمراهی چه چیزی است؟). در نتیجه تمام راه‌های غیر حق گمراهی

سوره حمد، تفسیر آن...//121

می‌باشند و آنها دارای راه‌های
گوناگون هستند، [دلیل دیگر این که
الله تعالی در قرآن برای هدایت از
کلمه‌ی مفرد «نور» استفاده فرموده
است و برای گمراهی‌ها از کلمه‌ی
جمع «ظلمات» استفاده شده است]،
﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا
تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ﴾
[الأنعام: 153] (و این راه مستقیم من
است، پس از آن تبعیت کنید و از
راه‌های دیگر تبعیت نکنید که شما را

از راه او [باز می دارد] و فرقه فرقه
می کند).

* راه با کلمه ی مستقیم توصیف

شده است، زیرا راه مستقیم کوتاه ترین

راه برای رسیدن به حق و رضایتمندی

الله تعالی و بهشت می باشد، و هر راه

دیگر، به هر سمتی که باشد، انحراف

می باشد و کسی که سرعت نجات

یافتن و کم بودن لغزشها را بخواهد،

باید از هدایت پیامبر ﷺ تبعیت کند و

راه آشکار، همین راه است، ﴿وَإِنَّكَ

سوره حمد، تفسیر آن...//123

لَتَهْدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * صِرَاطِ
اللَّهِ ﴿[الشوری: 52، 53]﴾ (و همانا تو
به سوی راه مستقیم هدایت می‌نمایی
* راه الله که...).

* کسی که می‌خواهد مرزهای
این راه را بشناسد و علائم عبور آن را
بفهمد باید به کسانی که آن را می-
پیمایند، بنگرد، ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ
أَنْعَمْتَ﴾ و الله تعالی روشن فرموده
است که آنها چه کسانی هستند: ﴿وَمَنْ
يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ

أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ
وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ
رَفِيقًا ﴿[النساء: 69]﴾ (و کسی که از الله
و رسول اطاعت کند، همراه کسانی
خواهد بود که الله [متعال] به آنها
نعمت داده است [و آنها] از پیامبران،
صدیقان (بسیار راستگویان)، شهیدان و
صالحان می باشند و آنان نیک
دوستانی هستند).

* در اینجا نکته‌ی جالبی وجود

دارد که علماء آن را بیان داشته‌اند و

سوره حمد، تفسیر آن...//125

آن درست بودن امامت ابوبکر صدیق (بسیار راستگو) است. الله تعالی به ما امر فرموده است تا از وی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ هدایت را درخواست نماییم و آن راه کسانی است که به آنها نعمت عطا فرموده است و آنها پیامبران، سپس صدیقان می‌باشند، وقتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وفات نمود، بعد از او پیامبری نبود تا جانشین وی شود، بلکه جانشین او همان صدیق (بسیار راستگو)، ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ بود. این آیه ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ

أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ﴿﴾ [با توجه به آیه‌ای که بیان می‌شود] بر این دلالت دارد که بزرگترین نعمتی که الله تعالی به بنده-اش می‌دهد، نعمت هدایت است و اولین کسانی که این نعمت به آنها می‌رسد، محبوبترین مخلوقات الله تعالی هستند: ﴿مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ﴾ [النساء: 69] (از پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان)، کسی که این نعمت هدایت از او سلب شود، بدترین صفات را

سوره حمد، تفسیر آن...//127

دارد، آنان کسانی هستند که اهل خشم
و غضب الله تعالی می باشند و آنها اهل
انحراف و گمراهی هستند: ﴿غَيْرِ
الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾.

* «المغضوب عليهم» همان

یهودیان هستند، کسانی که حق را
شناخته اند، ولی آن را انکار می کنند و
به جای علم از باطل تبعیت می کنند،
الله تعالی درباره ی آنها می فرماید:
﴿فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ﴾ [البقره:

90] (پس با غضبی بر غضب دیگر

برگشتند).

* «الضالین» همان مسیحیان

هستند، کسانی که در جهل هستند و

حق را نمی‌شناسند. الله تعالی درباره‌ی

آنها می‌فرماید: ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ

قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا

عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾ [المائدة: 77] (و از

هوای گروهی که از قبل گمراه شده‌اند

و عده‌ی بسیاری را گمراه نموده‌اند و

از راه درست گمراه شده‌اند، تبعیت

نکنید!))، در این آیه «المغضوب

سوره حمد، تفسیر آن...//129

«علیهم» جلوتر آمده است، زیرا یهودیان دارای گناه شدیدتر هستند و آن سبب شده است که آنها از حقی که آن را می‌شناسند، تبعیت نکنند و آنان دشمن‌ترین انسانها با ایمان آورندگان می‌باشند.

* در این آیه، نکته‌ی جالبی

وجود دارد: آن تقسیم مردم بر حسب شناخت آنها از حق و عمل آنها به آن، به سه دسته می‌باشد: از آنها کسی است که حق را نمی‌شناسند و آنها

«الضالین» هستند و گروهی دیگر هدایت را یافته‌اند ولی راه را طی نمی‌کنند و آنها «المغضوب علیهم» هستند و گروهی دیگر هدایت به آنها رسیده است و آنها نیز به تبعیت از حق توفیق یافته‌اند و حق این بوده است که در این آیه آنها بر دیگر گروه‌های مردم مقدم شوند.

* اگر در این آیه بنگریم، نعمت دادن را به الله تعالی نسبت داده است: ﴿أَنْعَمْتَ﴾، ولی درباره‌ی غضب

سوره حمد، تفسیر آن...//131

شدگان، فاعل را حذف نموده است و گفته نشده است: «غیر الذین غضبت علیهم» (غیر کسانی که بر آن خشم گرفتی) بلکه می‌فرماید: ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾ (غیر کسانی که خشم بر آنها قرار گرفته است) ولی انجام دهنده‌ی آن در حقیقت الله متعال می‌باشد، همان گونه که می‌فرماید: ﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا﴾ [الكهف: 17] (کسی را که الله هدایت نماید، او

هدایت شده است و کسی را که گمراه سازد، هرگز برای او یاورِ راهنمایی کننده‌ای نمی‌یابی)، سبب آن این است که دادنِ نعمتِ هدایت، فضیلتِ بزرگی می‌باشد و آن را به الله تعالی که همان نعمت دهنده است، منسوب داشته است، ولی غضب، خشم الله تعالی است که برای کسی است که از هدایت روی برگردانده باشد و آن مجازاتی مثل خودِ عمل است. بیان نمودن نعمت دادن قبل از خشم نمودن، اشاره

سوره حمد، تفسیر آن...//133

به این دارد که رحمت الله تعالی بر
خشمش پیشی دارد. در کنار یکدیگر
آوردن ﴿الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ و
﴿الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾ فایده‌ای دارد که
آن تشویق نمودن به تبعیت از راه
مؤمنان و ترساندن از تبعیت نمودن از
راه مجرمان است.

[* مسلمانان باید الله تعالی را
شکر کنند که بر آنها واجب فرموده
است تا حداقل روزی هفده بار از او
طلب هدایت می‌نمایند. ما می‌توانیم از

شخص لائیک یا مسیحی و یا غیر
مسلمانی که به وجود الله تعالی اعتقاد
دارد، بخواهیم که برای چندبار که شده
از الله متعال طلب هدایت نماید، بلکه
شاید با آن دعای شخص، الله تعالی او
را هدایت فرماید. نکته‌ای که من در
این درخواستم از غیر مسلمانان یا
مسلمانان سست عقیده، برخورد
کرده‌ام این است، که آنها می‌گویند:
«تو خودت چرا از الله تعالی طلب
هدایت نمی‌نمایی؟» ولی من به آنها

سوره حمد، تفسیر آن...//135

می‌گویم: من حداقل روزی هفده بار
از الله تعالی طلب هدایت می‌نمایم.¹

خلاصه

* سوره‌ی فاتحه عظیم‌ترین
سوره‌ی قرآن می‌باشد و نماز بدون آن
قبول نمی‌شود. معانیی دارد که بیان
شد و شامل شکر الله تعالی و ستایش

¹ - این پاراگراف توسط مترجم اضافه

شده است.

وی و بزرگداشت وی می باشد و شامل بیان انواع توحید سه گانه است. شامل اثبات نبوت و رسالت و نازل شدن کتابهای آسمانی می باشد و آن در این آیه است: ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾. چگونه می شود شخص راه مستقیم را پیدا کند، بدون آن که رسول و کتابی از طرف الله تعالی نیامده باشد. شامل اثبات آخرت و پاداش و مجازات برای اعمال می باشد. شامل تقسیم تقدیر است و آن تقسیم نمودن

سوره حمد، تفسیر آن...//137

مردم در برپا شدن قیامت می‌باشد، همان گونه در این سوره آمده است که آنها سه گروه می‌باشند [در آیه‌ی آخر سوره‌ی حمد]، همچنین در آن قدرت بندگان به انجام اعمال، ثابت شده است و به همین دلیل غضب و خشم برای کسی است که از حق تبعیت نمی‌کند، زیرا اگر او قدرت انجام آن را نداشت، خشمی بر وی صورت نمی‌گرفت. این سوره شامل اخلاص در دین، برای الله تعالی در عبادت

نمودن و کمک گرفتن از وی، می -
باشد. پاک و منزّه است کسی که این
سوره‌ی کوچک را نازل فرموده است
در حالی که شامل اعجازی است که
کسی توانایی آن را ندارد، مگر الله
متعال.



آگاه‌سازی

مستحب است که کسی که این
سوره را در خارج از نماز بخواند، [در

سوره حمد، تفسیر آن...//139

آخر آن] بگوید: «آمین» و معنای آن این است که یا الله اجابت فرما. گفتن آمین برای نمازگزار تأکید شده است، چه امام باشد و چه ماموم و چه نماز خود را به صورت تنهایی بخواند. در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا أَمَّنَ الْإِمَامُ فَأَمِنُوا، فَإِنَّهُ مَنْ وَاظَقَ تَأْمِينَهِ تَأْمِنُ الْمَلَائِكَةُ غُفْرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» (وقتی امام آمین گفت، شما آمین بگویید! کسی که آمین او با آمین

ملائک همراه شود، گناهان قبلش
برای او آمرزیده می شود).

در صحیح مسلم آمده است که
رسول الله ﷺ فرمود: «إِذَا قَالَ أَحَدُكُمْ
فِي الصَّلَاةِ آمِينَ وَالْمَلَائِكَةُ فِي السَّمَاءِ
آمِينَ فَوَافَقَتْ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى غُفِرَ لَهُ
مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» (اگر یکی از شما
در نماز آمین بگوید و ملائک در
آسمان آمین بگویند، اگر یکی از آنها
با دیگری همراه شد، گناهان گذشته -
اش برای او آمرزیده می شود). شکر و

سوره حمد، تفسیر آن...//141

ستایش برای الله تعالی است به
واسطه‌ی آنچه از بخشش و
نیکوکاری‌اش که برای ما صورت
گرفته است.

